

تلخيص فقه الفرائض

خلاصه فقه میراث

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است، از او یاری جسته و از او آمرزش می خواهیم و به سوی او توبه می کنیم،

و از شرارت و پلیدی نفسهای خویش و اعمال بد خود به الله پناه می بریم، هر کس را که الله هدایتش نماید، کسی نمی تواند گمراهش کند و کسی که الله گمراهش کند، هدایتگری برای او نیست، و گواهی می دهیم که هیچ معبود به حق جز الله نیست که یگانه است و شریکی ندارد، و شهادت می دهیم که محمد بنده و فرستاده اوست، الله بر او و خاندان و اصحابش و کسانی که به نیکی از آنها پیروی نمایند درود و سلام بفرستد، اما بعد:

این رساله ای است مختصر در رابطه با علم میراث مطابق با برنامه درسی جدید تعیین شده برای سال اول دبیرستان که به شکلی آسان بیان شده و با ذکر مثال توضیح داده شده است و من آن را خلاصه فقه میراث نامیدم.

و از الله متعال خواستارم که این عمل مرا خالص برای خود گردانده و آن را برای بندگان مفید قرار دهد، که او بخشنده بزرگوار است.

۱- تعریف فرایض.

۲- فایده آن.

۳- حکم آن.

۱- فرائض: جمع فریضه است، به معنی مفروض (آنچه فرض و تعیین شده است).

و در لغت عبارت از چیز واجب و مقطوع یا قطعی است.
و در اصطلاح، اینجا عبارت است از: علم و آگاهی به تقسیم میراث از نظر فقهی و محاسبه (۱).¹

۲- فایده آن: رساندن سهم هر وارثی به اوست.

۳- حکم آن: فرض کفایه است، یعنی اگر کسانی انجامش دهند، فرض [کسب این دانش و پیاده‌سازی آن] از بقیه مردم ساقط می‌شود.

حقوق مربوط به ماترک، و اینکه کدام حق مقدم است.

حقوق مربوط به ماترک پنج مورد است و به ترتیب از قرار زیر می‌باشد:

۱- هزینه‌های کفن و دفن میت، از جمله هزینه آب غسلش، کفن او، خوشبویی و اجرت غسل دهنده و قبرکن.

¹ مقصود از علم فرائض، فقه و دانش آن است. اما محاسبه آن وسیله‌ای است که در صورت نیاز استفاده می‌شود. [مؤلف]

۲- حقوق مربوط به عین ماترک، مانند دیونی که با رهن موثق شده‌اند. (اگر ماترک مثلاً خانه میت در برابر قرض به رهن گذاشته شده باشد. در اینجا باید این قرض را زودتر ادا کرد زیرا ماترک به سبب آن رهن شده است).

۳- حقوق مربوط به عهده میت، مانند دیونی که با رهنی همراه نیست. تفاوتی ندارد این بدهی به الله متعال باشد، مانند زکات یا به مردم، مانند قرض.

۴- وصیت جایز که عبارت است از: وصیت کردن یک سوم ترکه یا کمتر از آن برای غیر وارث.

۵- ارث؛ و در ارث کسانی مقدم هستند که به فرض ارث می‌برند [و به عبارتی سهم آنها کاملاً مشخص است]، سپس کسانی که به تعصیب ارث می‌برند و سپس آنانکه از بابت خویشاوندی ارث می‌برند.

مثالی برای روشن شدن مطلب: شخصی می‌میرد و آنچه مربوط به ترکه اوست از قرار زیر است:

۱۰۰ ریال هزینه غسل و تکفینش.

۱۰۰ ریال قرض که برای آن بخشی از ماترک رهن شده باشد.

۱۰۰ ریال دین بدون رهن (دین مطلق مربوط به حقوق الله مانند حج و زکات یا حقوق مردم مانند قرض).

۱۰۰ ریال وصیت جایز.

وارث: همسر و یک خواهر تنی (از یک پدر و مادر).
 اگر این فرد تنها ۱۰۰ ریال از خود بر جای گذارد، فقط هزینه غسل و تکفینش می‌شود و به بقیه چیزی نمی‌رسد.
 اگر دویست ریال باقی گذارد صرف غسل و کفن او و قرض موثق (رهن شده) می‌شود و به باقی چیزی نمی‌رسد.
 اگر فقط سیصد ریال بر جای گذارد، صرف هزینه غسل و کفنش و دین وثیقه‌دار و دین بدون وثیقه شده و به باقی چیزی نمی‌رسد.

اگر ششصد ریال بر جای گذارد، سیصد ریال آن صرف موارد مذکور شده و صد ریالش صرف وصیت می‌شود و صد ریال آن برای همسر است و صد ریال آن برای خواهر تنی.

وجه مقدم نمودن وصیت بر ارث در اینجا از قرار زیر است: فرض یا سهم مشخص هریک از زوج و خواهر تنی نصف است، و این نصف برای آن دو تعیین نشده است مگر به نسبت آنچه بعد از وصیت باقی مانده است و اگر وصیت بر سهم آنان مقدم نشود، برای وصیت هفتاد و پنج ریال و برای هر یک از خواهر تنی و همسر، صد و دوازده و نیم ریال می‌بود.

اسباب ارث

اسباب ارث سه مورد هستند: نکاح، نَسَب و ولاء.

الف- نکاح همان عقد ازدواج صحیح است و به سبب آن و به مجرد عقد، شوهر از همسر خود و زن از شوهرش ارث می‌برد، هر چند میان آنها همبستری روی نداده باشد.

ب- نسب: همان خویشاوندی است، یعنی پیوند میان دو نفر در نتیجه تولد، نزدیک باشد یا دور.

ج- ولاء: عصبوتی است که برای فرد مُعتَق (آزاد کننده برده) و عصبه فرد معتق که فی نفسه عصبه او هستند به سبب عتق ایجاد می‌شود.

اقسام قرابت به اعتبار جهات آنها

قرابت و نزدیکی به اعتبار جهات آنها به سه قسم تقسیم می‌شود: اصول و فروع و حواشی.

الف- اصول عبارت از کسانی هستند که میت از آنها به وجود آمده است، مانند پدران و مادران؛ و همه آنها به فرض یا به تعصیب ارث می‌برند به جز دو گروه:

۱- هر فرد مذکری که فرد مؤنثی میان او و میت حایل باشد، مانند پدر مادر.

۲- هر فرد مؤنثی که به وسیله فرد مذکری به میت وصل می‌شود که میان این فرد مذکر و میت، فرد مؤنثی قرار دارد، مانند: مادر پدر مادر.

و این دو گروه از ذوی الارحام (دارای نسبت خویشاوندی) هستند.

ب- فروع: آنانی که از میت منشعب شده‌اند، مانند فرزندان؛ و همه آنها چه به فرض و چه تعصیب ارث می‌برند مگر کسی که به وسیله فرد مونثی با میت پیوند داشته باشد، مانند پسر دختر، یا دختر دختر که از ذوی الارحام هستند.

ج- حواشی: کسانی که از اصول میت منشعب می‌شوند، همانند برادران و عموها؛ و همه اینها به فرض یا تعصیب ارث می‌برند بهجز دو گروه:

۱- هر فرد مذکری که به واسطه فرد مؤنث با میت پیوند دارد، بهجز برادران مادری، مانند پسر خواهر یا پسر برادر مادری یا عموی مادری یا دایی.

۲- تمام افراد مؤنث بهجز خواهران، مانند دختر برادر و عمه و دختر عمو و خاله.

این دو گروه از ذوی الارحام هستند.

شروط ارث

شروط ارث سه مورد است:

الف- تحقق مرگ مورث یا الحاق او به اموات (مرگ حقیقی یا حکمی).

مثال الحاق وی به اموات یا دادن حکم میت به آن، فرد
مفقود (۲) است در صورتی که مدت انتظار برای وی سپری
شود (۳).²¹

ب- حیات فرد وارث بعد از مرگ مورث محقق باشد یا
ملحق به زندگان شود.

مثال الحاق وی به زندگان جنین است، در صورتی که
وجود وی در هنگام مرگ مورث محقق باشد (۴) هر چند در
آن زمان روح در وی دمیده نشده باشد.³

و همینطور است فرد مفقود در مدت انتظار، مادامی که
مطمئن نشویم مرگ وی قبل از مرگ مورث بوده است.

بنا بر این دو شرط، میان دو نفری که از یکدیگر ارث
می‌برند و هر دو می‌میرند و نمی‌دانیم کدام یک قبل از دیگری
مرده است، توارثی صورت نمی‌گیرد.

1 مدت انتظار کشیدن برای وی را حاکم تعیین می‌کند و بر حسب حال فرد
مفقود متفاوت است. (مؤلف)

2 عبارت است از کسی که خبری از وی نباشد و زنده یا مرده بودنش معلوم
نباشد. (مؤلف)

3 این در صورتی محقق می‌شود که کودک حداقل شش ماه بعد از موت مورث
خود زنده به دنیا آید و حیاتش مستقر باشد یا اینکه با گذشت بیش از شش ماه
به دنیا آید مشروط بر اینکه زن بعد از مورث با کسی همبستری نکرده باشد.
(مؤلف)

مثلاً: هر دو در نتیجهٔ ویرانی یا غرق شدن یا آتش سوزی یا حوادث جاده‌ای و مانند این‌ها بمیرند؛ زیرا موت مورث قبل از وارث و حیات وارث بعد از وی محقق نیست.

ج- آگاهی نسبت به جهت موجب ارث که می‌تواند ازدواج باشد یا خویشاوندی یا ولاء؛ به این صورت که بدانیم فلانی از این میت ارث می‌برد زیرا همسر اوست یا فلان نسبت را با او دارد.

موانع ارث

موانع ارث سه مورد هستند: اختلاف دین، بردگی و قتل. هر گاه یکی از این موارد در شخصی موجود باشد، همانند فرد معدوم می‌گردد و ارث نمی‌برد و تأثیری بر سایر ورثه ندارد.

الف- اختلاف دین به این معناست که یکی از طرفین ارث بر دینی باشد و دومی بر دینی دیگر. و این از هر دو طرف مانع است، در نتیجه فرد کافر از مسلمان و مسلمان از کافر ارث نمی‌برد. مسیحی از یهودی ارث نمی‌برد و یهودی از مسیحی ارث نمی‌برد و به همین ترتیب.

ب- «رق» یا بردگی وصفی است که با آن کسی مملوک دیگری می‌گردد. و این از هر دو سو مانع است، یعنی برده نه ارث می‌برد و نه ارث می‌گذارد.

ج- قتل به معنی گرفتن روح است و قتلی که مانع ارث می‌باشد قتل ناحق است؛ تفاوتی ندارد که عمدی باشد یا غیر عمد (۵) به مباشرت باشد یا به تسبیب.¹

این مورد از یک سو مانع است، و آن جانب قاتل است؛ در نتیجه قاتل از مقتول ارث نمی‌برد، اما مقتول از قاتل ارث می‌برد. مانند اینکه یکی از دو برادر از یک پدر و مادر، جراحت کشنده‌ای بر برادرش وارد نماید و سپس خودش قبل از برادرش بمیرد که در این صورت برادرش از او ارث می‌برد.

اما قتلی که به حق باشد مانع ارث نیست، مثلاً فرد، مُورث خود را در نتیجه قصاص به قتل رساند که در این صورت از او ارث می‌برد.

اقسام ورثه به اعتبار نوع ارث:

وارثان به اعتبار نوع ارث سه قسم هستند: کسانی که به فرض ارث می‌برند، کسانی که به تعصیب ارث می‌برند و کسانی که بر اساس خویشاوندی ارث می‌برند.

1 برخی از علما نظرشان این است که قتل خطا مانع ارث بردن قاتل نیست، پس اگر ورثه نبخشند، قاتل دیه را می‌دهد و سهمش از سایر میراث - به‌جز دیه - را می‌برد و این مذهب مالک و اختیار این قیم است. (مولف) نگا: الشرح الصغیر للردیر (۷۱۳/۴)، وإعلام الموقعین (۴۲۵/۶).

الف- کسانی که به فرض ارث می‌برند: نسبت ارث اینها مشخص است، مثلاً نصف، یک چهارم، یک هشتم، دو سوم، یک سوم و یک ششم.

ب- کسانی که به تعصیب ارث می‌برند: اینها بدون مشخص بودن نسبت سهم خویش، ارث می‌برند.

ج- کسانی که بر اساس خویشاوندی ارث می‌برند: عبارت از هر خویشاوندی است که در جایگاه صاحب فرض یا تعصیب قرار می‌گیرد اما بر اساس این دو (فرض و تعصیب) ارث نبرد.

*

صاحبان فروض و مقدار سهم هر وارث

کسانی که به فرض ارث می‌برند و سهم مشخصی دارند، ده مورد می‌باشند: شوهر، همسر، مادر، پدر، مادر بزرگ، پدر بزرگ، دختران، دختران پسر و خواهرانی که مادری نباشند و فرزندان مادر.

۱- میراث شوهر

میراث شوهر نصف یا یک چهارم است.

در صورتی نصف میراث را به ارث می‌برد که زوجه
فرع وارث نداشته باشد (۶).^۱

در صورتی یک چهارم می‌برد که زوجه فرع وارث داشته
باشد.

مثال نصف بودن ارث شوهر: زن بمیرد و شوهر و پدرش
وارثان او باشند که در این صورت شوهر نصف میراث را
می‌برد و باقی برای پدر است.

مثال یک چهارم بودن میراث وی: زن بمیرد و وارثان وی
شوهر و پسرش باشند که در این صورت شوهر یک چهارم
را می‌برد و باقی برای پسرش می‌باشد.

۲. میراث همسر (زوجه)

میراث زوجه یا یک چهارم و یا یک هشتم است.

اگر شوهرش فرع وارث نداشته باشد، یک چهارم ماترک
برای زوجه است.

اگر شوهرش فرع وارث داشته باشد، یک هشتم میراث را
می‌برد.

مثال یک چهارم بودن میراث وی: مرد بمیرد و وارثان
وی همسر و پدرش باشند که در این صورت زن یک چهارم
و پدر باقی را به ارث می‌برد.

^۱ فرع وارث عبارت از فرزندان و فرزندان پسر و پایین‌تر می‌باشد، مادامی
که مانعی از موانع ارث را نداشته باشند. (مولف)

مثال یک هشتم بودن میراث وی: مرد بمیرد و همسر و پسرش وارثان وی باشند که در این صورت زوجه یک هشتم میراث را می‌برد و پسر باقی را.

دو زوجه و بیشتر در حکم یک زوجه می‌باشند و زیاد بودن تعداد زنان موجب زیاد شدن سهم میراث آنها نیست.

۳- میراث مادر:

میراث مادر: یک سوم، یا یک ششم، یا یک سوم باقی است.

در صورتی مادر یک سوم میراث را می‌برد که میت فرع وارث یا برادر و خواهر نداشته باشد و مسأله جزو دو مسأله عُمَری نباشد.

اگر میت فرع وارث داشته باشد یا تعدادی برادر یا خواهر (۷) داشته باشد یک ششم میراث را می‌برد و در دو مسأله عُمَری (۸)، یک سوم باقی را می‌برد و این دو از این قرار است: ²¹

۱- وارثان، شوهر و مادر و پدر باشند.

در این صورت میراث از شش سهم تقسیم می‌شود، نیمی از آن برای شوهر است که سه سهم می‌شود و مادر یک سوم

1 منسوب است به عمر بن خطاب رضی الله عنه، زیرا اولین کسی بود که چون در زمان خلافتش روی داد، طبق آنها قضاوت نمود. (مولف)

2 تفاوتی ندارد که فقط مرد باشند یا مرد و زن باشند یا زن باشند و تفاوتی ندارد که تنی باشند یا پدری یا مادری. (مولف)

باقی مانده را می‌برد (یعنی یک سهم از کل) و باقی برای پدر است یعنی دو سهم.

۲- وارثان، زوجه و مادر و پدر باشند.

در این صورت میراث از چهار سهم تقسیم می‌شود که یک چهارم برای زن است (یک سهم)، مادر یک سوم باقی را می‌برد (یک سهم از کل) و باقی مانده برای پدر است.

مثال یک سوم بودن میراث مادر: اینکه فرد بمیرد و وارثان وی مادر و پدرش باشند که در این صورت یک سوم میراث برای مادر، و باقی برای پدر است.

مثال یک ششم بودن میراث مادر: فردی بمیرد و وارثان وی مادر و پسرش باشند که در این صورت مادر یک ششم میراث را می‌برد و باقی برای فرزند است.

مثالی دیگر: فردی بمیرد و وارثان او مادر و دو برادر تنی او باشند که در این صورت مادر یک ششم ماترک را می‌برد و باقی برای برادران تنی است.

۴- میراث پدر:

پدر یا فقط به فرض ارث می‌برد و آن یک ششم است، یا فقط به تعصیب ارث می‌برد یا به فرض و تعصیب هر دو ارث می‌برد.

در صورتی پدر فقط به فرض ارث می‌برد که میت فرع وارث مذکری داشته باشد.

در صورتی تنها به تعصیب ارث می‌برد که میت فرع وارث نداشته باشد.

و در صورتی به فرض و تعصیب با هم ارث می‌برد که میت فرع وارث مونثی داشته باشد و مذکری همراه او نباشد.

مثال ارث بردن پدر فقط به فرض: فردی بمیرد و وارثان وی پدر و پسرش باشند که در این صورت پدر یک ششم ارث می‌برد و باقی برای پسر است.

مثال ارث بردن پدر فقط به تعصیب: فردی بمیرد و وارثان وی زوجه و پدرش باشند که در این صورت زوجه یک چهارم میراث را ارث می‌برد و باقی برای پدر است.

مثال به فرض و تعصیب ارث بردن پدر: فردی بمیرد و وارثان وی دختر و پدرش باشند که در این صورت دختر نصف میراث را ارث می‌برد و پدر یک ششم آن را به فرض و باقی را به تعصیب ارث می‌برد.

۶- میراث جده (مادر بزرگ):

منظور از جده در اینجا کسی است که به وسیله فرد مذکری به میت وصل نشود که میان این فرد مذکر و میت، فرد مونثی قرار بگیرد، مانند: مادر پدر مادر.

جده با وجود مادر و نیز با وجود جدۀ نزدیکتر ارث نمی‌برد، مانند مادر مادر مادر با وجود مادر پدر.

میراث یک جده مشخص است: یک ششم و اگر متعدد باشند یک ششم بطور مساوی میانشان تقسیم می‌شود، و با افزایش تعداد جده‌ها سهمشان بیشتر نمی‌شود.

مثال یک جده: فرد بمیرد و وارثان وی جده (مادر پدرش) و پسرش باشند که در این صورت جده یک ششم میراث را ارث می‌برد و باقی برای پسر است.

مثال چند جده: فردی بمیرد و جده‌های او (مادر مادر پدرش و مادر مادر پدرش و مادر پدر پدرش) و پدرش وارثان او باشند که در این صورت یک ششم میراث به‌طور مساوی میان این جده‌ها تقسیم می‌شود و باقی برای پدر است.

۶- میراث جد:

منظور از جد در اینجا کسی است که میان او و میت فرد مونثی نباشد، مانند پدر مادر.

جد یا پدر بزرگ با وجود پدر و یا با وجود پدر بزرگ نزدیکتر ارث نمی‌برد، مانند پدر پدر با وجود پدر پدر.

پدر بزرگ یا فقط به فرض ارث می‌برد و فرض او یک ششم است یا فقط به تعصیب ارث می‌برد یا به فرض و تعصیب با هم ارث می‌برد.

در صورتی تنها به فرض ارث می‌برد که میت فرع وارث مذکری داشته باشد.

در صورتی تنها به تعصیب ارث می‌برد که میت فرع وارث نداشته باشد.

در صورتی به فرض و تعصیب با هم ارث می‌برد که میت فرع وارث مونثی داشته باشد و مذکری همراهش نباشد.

مثال ارث بردن جد فقط به فرض: فردی بمیرد و وارثان وی جد و پسرش باشند که در این صورت جد یک ششم میراث را ارث می‌برد و باقی برای پسر است.

مثال ارث بردن جد فقط به تعصیب: فردی بمیرد و وارثان وی مادرش و جدش باشند که در این صورت مادر یک سوم را به فرض ارث می‌برد و جد باقی را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال ارث بردن جد به فرض و تعصیب با هم: فردی فوت کند و وارثان وی دختر و جدش باشند که در این صورت دخترش یک سوم میراث را ارث می‌برد و جدش یک ششم میراث را به فرض و باقی را به تعصیب ارث می‌برد.

۷- میراث دختران

دختران یا فقط به فرض ارث می‌برند یا فقط به تعصیب.

در صورتی به تعصیب ارث می‌برند که میت پسر داشته باشد که در این صورت پسر دو برابر دختر سهم می‌برد.

در صورتی فقط به فرض ارث می‌برند که میت پسر نداشته باشد که در این حالت اگر یک دختر باشد نصف میراث را ارث می‌برد، و اگر دو نفر یا بیشتر باشند دو سوم میراث را.

مثال ارث بردن دختران به تعصیب: فردی بمیرد و وارثان وی پسر و دخترش باشند که در این صورت تمام مال برای آن دو است، دو سهم برای پسر و یک سهم برای دختر.

مثال یک دختر که نیمی از میراث را به ارث می‌برد: فردی بمیرد و وارثان وی زن و پسر و برادر تنی او باشند که در این صورت یک هشتم میراث برای زوجه، نصف آن برای دختر و باقی برای برادر تنی است.

مثال دو سوم ارث بردن دو دختر: فردی فوت کند و وارثان وی دو دختر و پدرش باشند که در این صورت دو دختر دو سوم میراث را می‌برند و پدر یک ششم آن را به فرض و باقی را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال دو سوم ارث بردن میراث به فرض برای بیش از دو دختر: فردی بمیرد و سه دختر و مادر و پدرش وارثان او باشند: در این صورت دختران دو سوم مال را به ارث می‌برند و مادر و پدر هر کدام یک ششم؛ و در این مثال پدر به تعصیب ارث نمی‌برد زیرا چیزی باقی نمی‌ماند.

۸- میراث دختران پسر (۹)^۱

دختران پسر با وجود وارث مذکری از فروع که در درجه بالاتر از آنها قرار دارد و نیز با وجود دو وارث مؤنث از فروع که در درجه بالاتر از آنها قرار دارند مطلقاً ارث

۱ منظور از دختران پسر: فروع مؤنثی است که به واسطه مذکری به مورث وصل می‌شوند و میان این مذکر و میت نباید فرد مؤنثی باشد؛ هرچه پایین رود. (مؤلف)

نمی‌برند مگر اینکه میت پسر پسری هم درجه آنها یا در درجه پایین‌تر از آنها داشته باشد که در این صورت به تعصیب، با تقسیم پسر دو برابر دختر، ارث می‌برند.

میراث آنها در غیر این حالت یا تنها به تعصیب است یا تنها به فرض.

در صورتی فقط به تعصیب ارث می‌برند که میت پسر پسری هم درجه آنها داشته باشد که در این صورت پسر دو برابر دختر سهم دارد.

و در صورتی تنها به فرض ارث می‌برند که میت پسر پسری هم درجه آنها نداشته باشد که در این صورت دختر تنها نصف و دو دختر یا بیشتر دو سوم را ارث می‌برند مگر اینکه فرد مونثی از فروع میت بالاتر از درجه آنها باشد که نصف میراث را ببرد و آنها یک ششم میراث را در تکمله دو سوم ببرند؛ تفاوتی ندارد که یک نفر یا بیشتر باشند، فرض آنها با افزایش تعدادشان بیشتر نمی‌شود.

مثال به تعصیب ارث بردن آنها با وجود دو فرد مونث وارث از فروع که در درجه بالاتر از آنها قرار دارند: فردی بمیرد و وارثان او دو دخترش و دختر پسرش و پسر پسرش باشند که در این صورت دو سوم برای دو دختر و باقی برای

دختر پسر و پسر پسر اوست، برای دختر پسر یک سهم و پسر پسر دو سهم است (۱۰).^۱

مثال دیگر: فردی فوت کند و وارثان او دو دختر پسرش و دختر پسر پسرش و پسر پسر پسرش باشند که در این صورت دو دختر پسر او دو سوم ارث می‌برند و دختر پسر پسرش و پسر پسر پسرش باقی را ارث می‌برند، دو سهم برای پسر و یک سهم برای دختر (۱۱).^۲

مثال ارث بردن آنها به تعصیب با وجود پسر پسر هم درجه آنها این است که: مردی بمیرد و وارثانش همسرش و دختر پسرش و پسر پسرش باشند که در این صورت همسرش یک هشتم را ارث می‌برد و باقی ترکه برای دختر پسر و پسر پسرش است، به این صورت که پسر پسر دو سهم دارد و دختر پسر یک سهم.

مثال به فرض بردن نصف میراث توسط تنها دختر: زنی بمیرد و وارثان وی شوهر و دختر پسرش و پسر پسر پسرش باشند که در این صورت یک چهارم برای شوهر، نصف آن برای دختر پسر و باقی برای پسر پسر پسر است.

مثال به فرض بردن دو سوم برای دو دختر: فردی بمیرد و وارثان او جده (مادر مادرش) و دو دختر پسرش و پدرش

۱ در این مثال پسر پسر که هم درجه با آنهاست، آنها را عصبه کرده است. (مولف)

۲ در این مثال پسر پسر که پایین‌تر از آنهاست، آنها را عصبه می‌کند. (مولف)

باشند که در این صورت برای جده یک ششم و برای دو دختر پسر دو سوم و پدر یک ششم میراث است.

مثال به فرض بردن دو سوم برای بیش از دو دختر: فردی فوت کند و وارثان او سه دختر پسر او و پدرش باشند که در این صورت دو سوم ارث برای دختران پسر است و پدر یک ششم را به فرض و باقی را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال یک ششم ارث بردن تنها دختر همراه با فرد مؤنثی از فروع میت که در درجه بالاتر از او قرار داشته و نصف ترکه را ارث می‌برد: فردی بمیرد و وارثان او دخترش و دختر پسرش و پسر پسر پسرش باشند که در این صورت دختر نصف ترکه را می‌برد، دختر پسر یک ششم را در تکمله دو سوم و پسر پسر پسر باقی را ارث می‌برد.

مثال یک ششم ارث بردن بیش از یک دختر: زنی بمیرد و وارثان او شوهر و دختر و دختران پسرش و عمویش باشند که در این صورت، شوهر یک چهارم، دختر نصف و دختران پسر یک ششم تکمله دو سوم را ارث می‌برند و باقی برای عمو است.

میراث خواهران از غیر مادر (۱۲)^۱

^۱ منظور از آنها خواهران تنی (از پدر و مادر) و خواهران پدری است. (مؤلف)

هیچ یک از برادران یا خواهران با وجود وارث مذکری
از فروع یا اصول ارث نمی‌برد (۱۳)^۱

الف- میراث خواهران پدر و مادری (تتی):

میراث خواهران تتی به تعصیب توسط غیر، یا همراه
غیر، یا به فرض است.

پس به وسیله تعصیب غیر، ارث می‌برند در صورتی که
میت برادر تتی داشته باشد که سهم پسر دو برابر دختر است.

و با عصبه شدن به همراه دیگری ارث می‌برند در
صورتی که میت وارث مونثی از فروع داشته باشد که بر
مبنای فرض ارث می‌برد و آنها به منزله خواهران تتی
می‌شوند.

و در غیر این موارد به فرض ارث می‌برند، برای یک
دختر نصف و برای دو دختر یا بیشتر، دو سوم میراث است.

مثال ارث بردن آنها با عصبه شدن توسط دیگری: فردی
بمیرد و وارثان او خواهر تتی و برادر تتی باشند که در این
صورت تمام مال برای آنهاست؛ برای برادر دو سهم و برای
خواهر یک سهم.

مثال ارث بردن آنها با عصبه شدن همراه با غیر: فردی
فوت کند و وارثان او دختر و دختر پسرش و خواهر تتی و

۱ فرد مذکر وارث از اصول، عبارت از هر مذکری است که میان او و میت
فرد مونثی حایل نباشد و مانعی از موانع ارث نداشته باشد، مانند پدر، جد و
هرچه بالاتر رود. (مولف)

برادر پدري او باشند، در اين صورت سهم دختر از تركه، نصف آن است، سهم دختر پسر يك ششم در تكمله دو سوم است، باقي براي خواهر تني است و برادر پدري سهمي ندارد.

مثال ارث بردن به فرض يك دختر: مردی بميرد و وارثان او: خواهر تنی و همسرش و برادر پدري او باشند؛ در اين صورت خواهر تني نصف ميراث را می برد، زوجه يك چهارم و باقي براي برادر پدري است.

مثال ارث بردن به فرض دو نفر: فردی فوت کند و وارثانش دو خواهر تنی و مادرش و عموی حقيقي او باشد که در اين صورت دو خواهر تني دو سوم ميراث و مادر يك ششم را ارث می برد و باقي براي عمو است.

مثال به فرض ارث بردن بيش از دو نفر: فردی بميرد و وارثانش سه خواهر تنی و جده (مادر پدرش) و برادر پدري او باشند، در اين صورت خواهران تني دو سوم، و جده يك ششم را به ارث می برند و باقي براي برادر پدري است.

ب- ميراث خواهران پدري:

خواهران پدري با وجود وارث مذکر تني مطلقا ارث نمی برند و نيز با وجود دو يا چند وارث مونث تني، مگر اينکه ميت برادر پدري داشته باشد که در اين صورت همراه با او و بر اساس تعصيب ارث می برند، به اين صورت که پسر دو برابر دختر ارث می برد.

و همراه با یک وارث مونث تنی، یک ششم میراث در تکمله دو سوم را ارث می‌برند، تفاوتی ندارد که این زنان یک نفر باشد یا بیشتر، بیشتر بودن تعداد آنها فرض یک ششم‌شان را بیشتر نمی‌کند.

میراث آنها در غیر این حالت همانند میراث خواهران تنی است، چنانکه پیشتر ذکر شد.

مثال ارث بردن آنها همراه با دو خواهر تنی به تعصیب از این قرار است: فردی بمیرد و وارثان او دو خواهر تنی و یک خواهر پدري و یک برادر پدري باشند، در این صورت دو خواهر تنی دو سوم میراث را می‌برند و باقی برای خواهر و برادر پدري است، برادر پدري دو سهم می‌برد و خواهر پدري یک سهم.

مثال ارث بردن یک ششم میراث همراه با خواهر تنی: فردی بمیرد و وارثان او خواهر تنی و خواهر پدري و عموی تنی باشند که در این صورت خواهر تنی نصف میراث را می‌برد و برای خواهر پدري یک ششم در تکمله دو سوم است و باقی برای عمو است.

مثال دیگر: فردی بمیرد و وارثان وی یک خواهر تنی و دو خواهر از پدر، و مادر و عموی تنی باشند که در این صورت خواهر تنی نصف میراث را می‌برد، دو خواهر پدري یک ششم و مادر نیز یک ششم می‌برد و باقی برای عمو است.

۱۰- میراث فرزندان مادر

فرزندان مادر همان برادران و خواهران مادری هستند.
اینها با وجود فرع وارث یا وارث مذکری از اصول ارث نمی‌برند.

میراث آنها به فرض از این قرار است: اگر یکی باشد یک ششم و اگر دو نفر یا بیشتر باشند یک سوم به صورت مساوی ارث می‌برند و مذکر آنها بر مؤنث‌شان برتری ندارد.

مثال ارث یک خواهر مادری: فردی بمیرد و وارثان او خواهر مادری و خواهر تنی و دو خواهر پدري، و مادرش باشند که در این صورت خواهر مادری یک ششم میراث را می‌برد، خواهر تنی نصف میراث را می‌برد و دو خواهر پدري یک ششم تکمله دو سوم و مادر نیز یک ششم ارث را می‌برد.

مثال ارث دو برادر مادری: فردی بمیرد و وارثان او دو برادر مادری و دو خواهر تنی باشند که دو برادر مادری یک سوم میراث را برده و به‌طور مساوی تقسیم می‌کنند و دو سوم میراث برای دو خواهر تنی است.

مثال ارث بیش از دو خواهر و برادر مادری: فردی بمیرد و وارثان او یک برادر مادری و دو خواهر مادری و یک برادر تنی باشد، در این صورت برادر و خواهران مادری یک سوم ترکه را ارث می‌برند که به‌طور مساوی میان خود تقسیم می‌کنند و باقی برای برادر تنی است.

تکمله

در صورتی که جمع فروض در یک مسأله بیش از سهم‌ها شود، سهم کسی ساقط نمی‌شود، زیرا هیچ یک از فرض‌بران شایسته‌تر از دیگری برای سقوط سهمش نیست و نقص وارده به نسبت سهم هریک از فرض‌بران بر آنان وارد می‌شود.

مثال آن: زنی بمیرد و وارثان او شوهرش و دو خواهر تنی باشند که در این صورت سهم زوج نصف میراث است و خواهران ابوینی دو سوم؛ در این صورت مسأله به جای تقسیم از شش سهم، از هفت سهم در نظر گرفته می‌شود و از سهم هریک، یک‌هفتم کاسته می‌شود.

مثال دیگر: زنی بمیرد و وارثان او: شوهر و مادر و دو خواهر تنی و دو خواهر مادری باشند، در این صورت سهم شوهر نصف است، مادر یک ششم، دو خواهر تنی دو سوم، دو خواهر مادری یک سوم خواهد بود و سهام این میراث به جای تقسیم از شش سهم، از ده سهم حساب می‌شود و از سهم هریک دو پنجم کاسته می‌شود.

مثال سوم: مردی بمیرد و وارثان او همسرش و دو خواهر تنی او و خواهر مادری او باشند که در این صورت سهم همسرش یک چهارم است، دو خواهر تنی دو سوم، خواهر مادری یک ششم و مقدار فروض از دوازده به سیزده عول شده و یک سیزدهم از سهم هر کدام کاسته می‌شود.

مثال چهارم: مردی فوت کند و وارثان او همسرش و دو دخترش و مادرش و پدرش باشند؛ در این صورت سهم همسرش یک هشتم، دو دخترش دو سوم، مادرش یک ششم و

پدرش نیز یک ششم است و جمع فروض از بیست و چهار به بیست و هفت عول شده و در نهایت یک نهم از سهم هریک کاسته می‌شود.

تمرین‌ها

تمرین (۱)

۱- ضابط و مبنای تقسیم ارث در مورد کسی که نه به فرض ارث می‌برد و نه تعصیب چیست؟ با ذکر مثال.

۲- بیان کنید که موارد زیر از چه نوع خویشانی هستند؟ و کدام یک از آنها از ذوی الارحام است؟ همراه با بیان علت (۱۴)^۱

عمه، پدر، دختر برادر تنی، دایی، دختر پسر، پدر مادر، مادر مادر، عمه مادری، عمه پدری، پسر دختر، پسر پسر، پسر برادر مادری، پسر برادر پدری، مادر پدر مادر، مادر پدر پدر، پسر خواهر.

تمرین (۲)

۱- در چه صورتی هریک از زوجین یک چهارم ارث می‌برند؟

۲- در چه صورتی پدر هم به فرض و هم به تعصیب ارث می‌برد؟

^۱ بیان علت در اینجا و در تمام تمریناتی که خواسته می‌شود، این است که به قاعده آن اشاره شود. (مولف)

۳- حالاتی که هریک از جد و جده در آنها ارث نمی‌برند چیست؟

۴- چه زمان خواهران با تعصیب همراه با دیگران ارث می‌برند؟

تمرین (۳)

برای موارد زیر مثالهایی همراه با بیان علت ذکر کنید:

۱- مثالی که در بر دارنده فرض یک هشتم برای زوجه و یک ششم برای دختر پسر باشد.

۲- مثالی که در بر دارنده فرض نصف برای زوج و یک ششم برای مادر باشد.

۳- مثالی که در بر دارنده افزایش فروض بر مسأله از شش به هشت باشد.

تمرین (۴)

مسائل زیر را همراه با بیان علت تقسیم کنید:

۱- مادر، زوجه، برادران مادری، برادران تتی.

۲- خواهر تتی، برادر تتی، مادر و عمو.

۳- دو دختر، دختر پسر، خواهر پدري.

۴- دو خواهر تتی، دو خواهر پدري، دو خواهر مادري.

۵- زوجه، مادر و جد.

۶- زوج، پدر، جده (مادر مادر)، جده (مادر پدر) و جده (مادر پدر پدر).

۷- شوهر، مادر، دو خواهر تنی و برادر مادری.

۸- زوجه، مادر، دو خواهر پدری، دو خواهر مادری.

عصبه

عصبه: جمع عاصب است و آن عبارت از کسی است که بدون تعیین مقدار مشخص یا سهم معینی ارث می‌برد، چنانکه اگر صاحب فرضی همراه با وی نباشد، تمام ماترک را ارث می‌برد و اگر صاحب فرضی همراه وی باشد که سهم او بخشی از میراث است، بعد از سهم صاحب فرض، باقی ماترک را ارث می‌برد و اگر همراه وی صاحب فرضی باشد که سهم او همه ماترک می‌باشد، چیزی عاید وی نمی‌شود.

مثال به ارث بردن تمام مال توسط وی: فردی بمیرد و وارث او برادر تنی او باشد که تمام میراثش را می‌برد.

مثال به میراث بردن باقی ماترک: زنی بمیرد و وارثانش شوهر و دو برادر مادری و دو برادر تنی باشند، در این حالت شوهرش نصف و برادران مادری یک سوم را ارث می‌برند و باقی برای برادران تنی است.

مثال میراث نبردن وی: زنی بمیرد و وارثان او: شوهرش، مادرش، دو برادر مادری و دو برادر تنی باشند که در این حالت شوهر نصف، مادر یک ششم و برادران مادری

یک سوم را می‌برند و چیزی برای برادران تتی نمی‌ماند.
چون سهام شامل همه مال شده است.

اقسام عصبه

عصبه به سه قسم تقسیم می‌شود: کسی که فی نفسه عاصب است، و کسی که به وسیله دیگری عصبه می‌شود، و کسی که همراه با دیگری عصبه است.

الف- کسانی که خود عاصب هستند از این قرار می‌باشند:

۱- تمام وارثان مذکر از اصول و فروع و حواشی، به‌جز برادران مادری و نوری الارحام (۱۵).^۱

۲- تمام کسانی که بر اساس ولاء ارث می‌برند، از مذکر و مونث، مانند زن و مرد آزاد شده.

ب- عاصب به وسیله دیگری: دختران، دختران پسر، خواهران تتی و خواهران پدری.

۱- دختران به وسیله پسران.

۲- و دختران پسر به وسیله پسران پسر در صورتی که هم درجه آنها باشند یا اینکه پسران پسر در درجه پایین‌تر از آنها قرار داشته باشند و کسانی که در درجه بالاتر آنها قرار دارند، دو سوم سهم داشته باشند.

۱ به اقسام قرابت به اعتبار جهات آنها رجوع کنید تا بدانید که منظور از نوری الارحام کیست. (مؤلف)

۳- خواهران تنّی به وسیلهٔ برادران تنّی.

۴- خواهران پدری به وسیلهٔ برادران پدری.

پس هریک از اینها با کسی که به وسیلهٔ او عصبه شده‌اند به تعصیب ارث می‌برند بر این اساس که سهم مذکر دو برابر مونث است.

مثال این مورد در رابطه با دختران: فردی بمیرد و وارثان او دختر و پسرش باشند که در این صورت هر دو تمام مال را می‌برند به این شکل که پسر دو سهم و دختر یک سهم می‌برد.

مثال آن در رابطه با دختران پسر: فردی بمیرد و وارثان او دخترش و دختر پسرش و پسر پسر او باشند که در این صورت دختر نصف مائرک را ارث می‌برد و پسر پسر و دختر پسر باقی را ارث می‌برند، به این صورت که پسر دو سهم دارد و دختر یک سهم.

مثال دیگر: فردی بمیرد و وارثان او دو دخترش و دختر پسرش و پسر پسر پسرش باشند که در این صورت دو دختر دو سوم ارث می‌برند و پسر پسر پسر و دختر پسر باقی را ارث می‌برند، به این صورت که پسر دو سهم و دختر یک سهم دارد.

مثال آن در مورد خواهران تنّی: فردی بمیرد و وارثان او خواهر تنّی و برادر تنّی او باشند که در این صورت تمام مال

برای آن دو خواهد بود، برای پسر دو سهم و برای دختر یک سهم.

مثال آن در مورد خواهران پدري: فردي بميرد و وارثان او يك خواهر پدري و يك برادر پدري باشند كه در اين صورت تمام ما ترك براي آنهاست، دو سهم براي برادر و يك سهم براي خواهر.

زن به وسيله هيچ يك از وراثت مذكر عصبه نميشود بهجز اين چهار تن: پسر برادر، خواهرش و عمه و دختر عمويش را عصبه نميكند و عمو، عمه را عصبه نميكند و پسر عمو، خواهرش و دختر عمويش را عصبه نميكند.²¹

مثال آن در مورد پسر برادر: فردي بميرد و وارثان او دختر و پسر برادر تني او و دختر برادر تني او باشند، كه در اين صورت دختر نصف مال را ميبرد و باقي تركه ارث پسر برادر تني است و دختر برادر تني سهمي از ارث نميبرد.

مثال ديگر: فردي بميرد و وارثان او دو خواهر تني و يك خواهر پدري و پسر برادر پدري باشند، در اين صورت دو سوم تركه براي دو خواهر تني است و باقي براي پسر برادر است و خواهر پدري چيزي ارثي نميبرد، زيرا كسي او را عصبه نميكند.

* 1

* 2

مثال آن در مورد عمو: فردی بمیرد و وارثان او عمو و عمه‌اش باشند که در این صورت تمام مال برای عمو است و عمه چیزی ارث نمی‌برد.

مثال آن در مورد پسر عمو: فردی بمیرد و وارثان او: پسر عمو و دختر عمویش باشند که در این صورت تمام مال برای پسر عمو خواهد بود و دختر عمو چیزی ارث نمی‌برد.

ج- عاصب به همراه دیگری: خواهران تنی و خواهران پدری به همراه آن دسته از فروع که بر مبنای فرض ارث می‌برند؛ و به این ترتیب خواهران تنی به منزلت برادران تنی هستند و خواهران پدری به منزلت برادران پدری هستند.

مثال آن در مورد خواهران تنی: فردی بمیرد و وارثان او: دخترش و خواهر تنی او باشند که در این صورت سهم میراث دختر نصف و باقی برای خواهر تنی است.

مثال آن در مورد خواهران پدری: فردی بمیرد و وارثان او دخترش و دختر پسرش و خواهر پدری او باشند که در این صورت نصف مال میراث دخترش، یک ششم در تکمله دو سوم برای دختر پسرش و باقی برای خواهر پدری است.

ترتیب عصبه:

عصبه به ترتیب ارث می‌برند پس کسی که از نظر جهت سابق‌تر باشد مقدم است، سپس کسی که جایگاه و درجه نزدیکتری دارد، سپس قوی‌تر؛ شاعر اینگونه به این مطلب اشاره نموده است:

فبالجهة التّقديم، ثمّ بقربه * وبعدهما التّقديم بالقوّة
اجعلا (۱۸)

مقدم نمودن عصبه برای دریافت ارث ابتدا از بابت جهت
است، سپس قرب و نزدیکی و در نهایت به قوت.^۱

الف- در خصوص جهت، آنکه در آن سابقتر باشد در
تعصیب بر افراد بعد از خود مقدم است.

جهات چهار مورد است: بنوت، ابوت، فروع ابوت و ولاء
۲. (۱۹)

۱- بنوت، شامل پسران و پسران آنها و هرچه پایین تر
رود، می‌شود.

۲- ابوت، شامل پدران و پدران آنها و هرچه بالاتر رود،
می‌شود.

۳- فروع ابوت، شامل برادران و عموهای تنی یا پدری و
پسران آنها و هرچه پایین تر رود، می‌شود. (۲۰)^۳

۱ شاعر این بیت جعبری است، چنانکه ابن قاسم در «حاشیة الرحیة» (صفحة ۳۹) ذکر کرده است.

۲ برخی از علما معتقدند که جهات عصبه شدن پنج مورد است. اینها فروع ابوت را به دو جهت تقسیم می‌کنند: اخوت که شامل برادران تنی یا برادران پدری و پسران آنها و هر چه پایین‌تر رود، می‌شود؛ و عمومیت که شامل عموهای تنی و عموهای پدری و پسران آنها و هرچه پایین‌تر رود، می‌شود؛ و دیگران اعتقاد دیگری دارند. [مولف]

۳ حکم خواهران در صورتی که همراه با دیگران عصبه شوند، همانند حکم برادران است. (مولف)

۴- ولاء که شامل معتق (آزاد کننده برده) و عصبه او که فی نفسه عصبه هستند، می شود (۲۱).^۱

شاعر به این جهات چهارگانه اشاره نموده است:

جهات آنها بنوت است و ابوت و فروع آن و آنکه صاحب ولاء است.^۲

هرکس در جهتی از این جهات قرار گیرد، در تعصیب بر کسانی که بعد از او قرار دارند، مقدم می شود.

مثال آن: فردی بمیرد و وارثان او پدر و پسرش باشند که در این صورت پدر یک ششم را به فرض ارث می برد و باقی به تعصیب برای پسر است.

مثال دوم: فردی بمیرد و وارثان او پدر و برادر تنی او باشند که در این صورت تمام مال به تعصیب به پدر می رسد.

۱ شامل افراد ذکور عصبه و کسی که در نتیجه ولاء عصبه شده می شود، پس اگر غلام آزاد شده بمیرد و وارثان او پسر آزاد کننده و دختر آزاد کننده باشند، پسر آزاد کننده تمام مال آزاد شده را به تعصیب می برد، زیرا وی فی نفسه عاصب است و چیزی به دختر آزاد کننده نمی رسد، زیرا به وسیله دیگری عصبه شده است. و اگر در حالی بمیرد که وارثان او دختر آزاد کننده و خواهر تنی او و عموی او باشند، تمام مال به تعصیب به عمو می رسد، زیرا وی فی نفسه عصبه است و دختر ارثی نمی برد چون صاحب فرض است و خواهر تنی چون به وسیله دیگری عصبه شده است، ارثی نمی برد. [مولف]

مثال سوم: فردی بمیرد و وارثان او عمو و آزاد کننده‌اش باشد که در این صورت عمو تمام مال را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال چهارم: فردی بمیرد و وارثان او مادر و آزاد کننده او باشند که در این صورت یک سوم برای مادر است و آزاد کننده‌اش باقی را به تعصیب ارث می‌برد.

ب- اما نزدیکی جایگاه و منزلت؛ در صورتی که عصبه در یک جهت باشند، کسی که به میت نزدیکتر است مقدم می‌شود.

پس کسی که در جهت بنوت و ابوت نزدیک تر به میت است، کسی است که با واسطه کمتری به میت می‌رسد.

و کسی که در جهت فروع ابوت نزدیکتر به میت است: فروع پدر می‌باشد که شامل: برادران و پسران آنها و هر چه پایین‌تر روند، به ترتیب نزدیک و نزدیکتر می‌باشد.

سپس فروع پدر پدر که شامل: عموها و پسران آنها و هر چه پایین روند، به ترتیب نزدیک و نزدیکتر می‌باشد.

سپس فروع جد پدر که شامل عموهای پدر میت و پسران آنها و هر چه پایین‌تر رود، به ترتیب نزدیک و نزدیکتر می‌باشد.

اینگونه می‌گوییم: فروع هر پدری، هر چه پایین‌تر رود، از فروع کسانی که ما فوق اوست، نزدیکتر است.

در فروع هر پدر، نزدیکتر کسی است که با واسطه کمتری به او برسد.

و نزدیکتر در جهت ولاء، آزاد کننده و سپس عصبه او به ترتیب عصبه نسب است.

مثال آن در جهت بنوت: فردی بمیرد و وارثان او پسر و پسر پسرش باشند که در این صورت پسر تمام مال را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال آن در جهت ابوت: فردی بمیرد و وارثان او پدرش و جدش باشند که در این صورت پدر تمام مال را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال آن در جهت فروع ابوت: فردی بمیرد و وارثان او پسر پسر پسر عمویش و عموی پدرش باشند که در این صورت پسر پسر پسر عمو تمام مال را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال دوم: فردی بمیرد و وارثان او پسر عموی او و پسر عموی او باشند که در این صورت پسر عمو تمام مال را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال آن در جهت ولاء: فردی بمیرد و وارثان او پسر آزاد کننده‌اش و عموی آزاد کننده او باشند که در این صورت پسر آزاد کننده او تمام مالش را به تعصیب ارث می‌برد.

مثال دوم: فردی بمیرد و وارثانش پسر پسر پسر برادر آزاد کننده او و عموی آزاد کننده او باشند که در این حالت پسر

پسر پسر برادر آزاد کننده او تمام مالش را به تعصیب ارث می‌برد.

ج- در مورد قوت، اگر عصبه در یک جهت و یک جایگاه باشند آنکه ارتباط محکمتری با میت دارد مقدم می‌شود و او کسی است که با پدر و مادر نسبت دارد و برتر از کسی است که تنها با پدر نسبت دارد و مقدم نمودن با قوت متصور نیست مگر در جهت فروع ابوت.

مثال آن: فردی بمیرد و وارثان وی برادر تنی و برادر پدري او باشند در این صورت برادر شقیق یعنی تنی تمام مال را به تعصیب می‌برد.

مثال دوم: فرد بمیرد و وارثان او پسر عموی شقیق و پسر عموی پدري او باشند که در این صورت پسر عموی شقیق تمام مال را به تعصیب می‌برد.

تمرین‌ها

تمرین (۱)

۱- عاصب کیست؟ ارث او چگونه است؟ مثال بزنید
1(۲۳)

۲- عاصب به وسیله دیگری چه کسی است؟ مثال بزنید.

1 در مثال زدن قاعده این است که ابتدا صاحب فرض، سپس عاصب مقدم شوند و صاحب فرض بیشتر مانند دختر با دختر پسر مقدم می‌شود و چه بسا برای آزمودن طلاب از این قاعده خارج شویم (مولف).

۳- جهات عصبوب چیست؟ چه کسی در آن مقدم است؟ با ذکر مثال.

تمرین (۲)

مثالهایی برای موارد زیر همراه با بیان علت ذکر کنید:

۱- کسی که همراه با دیگری عصبه می‌شود مقدم است بر کسی که فی نفسه عاصب است، به اعتبار قوت.

۲- صاحب فرضی که سهمش یک سوم است همراه با کسی که فی نفسه عصبه است، مقدم است بر کسی که فی نفسه عاصب است، به اعتبار مسبوق بودن جهت.

۳- صاحب فرضی که سهمش یک چهارم است همراه با کسی که فی نفسه عاصب است مقدم است بر کسی که فی نفسه عاصب است، به اعتبار نزدیکی جایگاه و منزلت.

تمرین (۳)

در موارد زیر وارثانی را که به تعصیب ارث می‌برند از غیر آن مشخص کنید، همراه با بیان علت:

- پسر همراه پدر.

- پدر جد همراه با پدر پدر.

- دختر و خواهر پدری همراه با پسر برادر تنی.

- برادر تنی آزاد کننده همراه با خواهر تنی او.

- پسر پسر عموی پدری همراه با پسر عموی تنی پدر.

- برادر پدری همراه با برادر تتی.
- پسر پسر پسر عموی پدری همراه با آزاد کننده.
- پسر پسر برادر تتی همراه با پسر برادر پدری.
- برادر پدری آزاد کننده همراه با برادر تتی او.
- پسر پسر پسر همراه با پسر پسر.

تمرین (۴)

مسائل زیر را تقسیم کنید و در آن کسی که خودش عاصب است و کسی که به وسیله دیگری عصبه می‌شود و کسی که همراه دیگری عصبه می‌شود و کسی را که از او ارث نمی‌برد، بیان کنید و علت هر یک را ذکر نمایید.

- ۱- شوهر و پسر و دختر.
- ۲- زوجه و پدر و پسر آزاد شده.
- ۳- دختر و خواهر تتی و برادر پدری.
- ۴- خواهر پدری، عموی پدری و عموی جد.
- ۵- جده، جد پدر و جد جد.
- ۶- مادر و پسر عموی پدری و عموی تتی پدر.
- ۷- برادران مادری و برادران پدری و برادران مادری و پدری.

حجب

حجب در لغت به معنی منع است.

و در اصطلاح بازداشتن کسی که مستحق ارث است از تمام یا بخشی از ارث می‌باشد.

و به دو قسمت تقسیم می‌شود: حجب به توصیف و حجب به شخص.

حجب به توصیف عبارت از این است که در فرد مستحق ارث، مانعی از موانع ارث وجود داشته باشد (اختلاف دین، بردگی و قتل).

کسی که به وصف حجب شود همانند فرد معدوم است، پس نه غیر خود را حجب می‌کند و نه بر آن تاثیر می‌گذارد.

مثال آن: فردی بمیرد و وارثان او مادرش و خواهر پدري و برادر پدري او که دینی غیر از دین او دارد و عمویش می‌باشند، در این صورت مادر یک سوم ارث می‌برد، خواهر پدري نصف آن را و باقی برای عمو است و برادر پدري هیچ ارثی نمی‌برد.

حجب به وسیله شخص: فردی که مستحق دریافت ارث است توسط شخص دیگری حجب شود.

الف- در اصول ورثه:

۱- هر مذکری، ذکوری را که فوق او هستند حجب می‌کند.

مثال: فردی می‌میرد و وارثانش پدر و جدش هستند، در این صورت پدر همهٔ ارث را می‌برد و چیزی به جد داده نمی‌شود.

۱- هر فرد مونثی افراد مونثی را که فوق او هستند، حجب می‌کند.

مثال: فردی بمیرد و وارثان او مادر و جده و عموی او باشند، در این صورت مادر یک سوم می‌برد و باقی برای عمو است و چیزی به جده نمی‌رسد.

ب- در فروع ورثه: هر فرد مذکری افرادی را که پایین‌تر از او هستند حجب می‌کند.

مثال آن: فردی بمیرد و وارثان او پسر و پسر پسر و دختر پسرش باشند، در این صورت تمام ترکه برای پسر است و چیزی به پسر پسر و دختر پسر نمی‌رسد.

ج- در حواشی:

۱- تمام حواشی به وسیلهٔ وارثان مذکر از اصول و فروع حجب می‌شوند.

مثال آن: فردی بمیرد و وارثان او پدرش و برادر تنی او باشند که در این صورت تمام مال برای پدر است و چیزی به برادر تنی نمی‌رسد.

مثال دیگر: فردی بمیرد و وارثان او پسرش و خواهر تنی او باشند که در این صورت تمام مال برای پسر است و چیزی به خواهر تنی نمی‌رسد.

۲- برادران مادری نیز به وسیله افراد مونث از فروع حجب می‌شوند.

مثال آن: فردی بمیرد و وارثان او دخترش و برادر مادری او و برادر تنی او باشند، که در این صورت نصف میراث برای دختر است و باقی برای برادر تنی است و چیزی به برادر مادری نمی‌رسد.

۳- برادران پدری توسط وارثان مذکر تنی حجب می‌شوند.
مثال آن: فردی بمیرد و وارثان او خواهر مادری او و خواهر پدری و برادر تنی او باشند که در این صورت یک ششم میراث برای خواهر مادری است و باقی برای برادر ابوینی است و چیزی به خواهر پدری نمی‌رسد.

د- در تعصیب:

۱- کسی که از نظر جهت سابقتر است افراد بعد خود را حجب می‌کند.

۲- کسی که منزلت و جایگاه نزدیکتری دارد آن را که دورتر است حجب می‌کند.

۳- کسی که قرابتش قوی‌تر است آن را که ضعیف‌تر است حجب می‌کند و پیش‌تر شرح این مورد و مثال‌های آن ذکر شد.

رد:

رد به معنی افزودن الباقي ماترک بعد از تقسیم، به صاحبان فروض در صورت نبودن عصبه است.

در نتیجه به هر صاحب فرضی به مقدار فرضش رد می‌شود، مگر زن و شوهر که مابقی ماترک به آنها رد نمی‌شود.

اگر کسی که مال به او رد می‌شود یک نفر باشد، تمام مال را به فرض و به رد دریافت می‌کند.

و اگر گروهی از یک جنس باشند، تمام مال را به فرض و به رد بر اساس سهم خود می‌برند.

و اگر گروهی از چند جنس باشند، مال میان آنها بر اساس شش سهم تقسیم می‌شود و به آنچه مقدار فرض‌های آنها است، منتهی می‌شود.

و اگر یکی از زن و شوهر همراه آنها باشند، فقط فرض زن یا شوهر به وی داده می‌شود نه افزون بر آن و باقی‌مانده میان کسانی که به آنها رد می‌شود، بر اساس آنچه ذکر شد تقسیم می‌شود.

مثال آن در صورتی که کسی که به وی رد می‌شود یک نفر باشد: فردی بمیرد و وارث او دخترش باشد که در این صورت تمام ماترک را ارث می‌برد، نیمی از آن را به فرض و نیش را به رد.

مثال موردی که کسانی که به آنها رد می‌شود یک گروه از یک جنس باشند: فردی بمیرد و وارثان او دو دخترش باشند که تمام مال برای آن دو است که دو سوم آن را به فرض و باقی را به رد می‌برند و به دو قسم تقسیم می‌شود.

مثال موردی که کسانی که به آنها رد می‌شود یک گروه از چند جنس باشند: فردی بمیرد و وارثان او دختر و دختر پسرش و مادرش باشند، پس مسئله اینها از شش سهم است: نصف آن (یعنی سه ششم) برای دختر است، یک ششم برای دختر پسر در تکمله دو سوم و یک ششم برای مادر و مسئله به پنج رد می‌شود.

مثال آن در صورتی که یکی از زن و شوهر همراه آنها باشند: فردی بمیرد و وارثان او شوهر و مادر و برادر مادری او باشند که در این صورت برای زوجه یک چهارم است و مادر و برادر مادری باقی را به فرض و رد بر اساس شش سهم ارث می‌برند، به این صورت که مادر یک سوم (دو سهم) دارد و برادر مادری یک ششم (یک سهم) و مسئله به سه سهم رد می‌شود، برای زوجه یک سهم و برای مادر دو سهم و برای برادر مادری یک سهم.

ذوی الأرحام (خویشاوندان)

ذوی الأرحام: عبارت از هر خویشاوندی است که صاحب فرض نبوده و از عصبه نیست.

ذوی الأرحام از اصول:

۱- هر مذکری که میان او و میت، مونثی قرار گیرد، مانند پدر مادر و پدر جده.

۲- هر مونثی که به وسیله مذکری به میت وصل می‌شود که میان این مذکر و میت فرد مونثی قرار دارد، مانند مادر پدر مادر.

و از فروع: هر کسی که به وسیله مونثی به میت مرتبط باشد، مانند پسر دختر و دختر دختر.

و از حواشی:

۱- هر فرد مذکری که به وسیله فرد مونث به میت مرتبط شود به‌جز برادران مادری، مانند دایی و پسر برادر مادری و پسر خواهر.

۲- تمام افراد مونث به‌جز خواهران، مانند عمه و خاله و دختر برادر.

اینها بر اساس تنزیل (جایگزینی) ارث می‌برند، یعنی هریک از اینها در منزلت و جایگاه وارثی قرار داده می‌شود که به وسیله او با میت پیوند دارد و سهم آن فرد را می‌برد.

مثال آن: فردی بمیرد و وارثان او پسر خواهر تنی و دختر خواهر پدري و پسر برادر مادری و دایی او باشند.

سهم پسر خواهر تنی نصف ترکه است، زیرا به منزلت مادر خود است، سهم دختر خواهر پدري یک ششم در تکمله دو سوم است، زیرا به منزلت مادرش است، سهم پسر برادر امی یک ششم است، زیرا در جای پدر خود قرار می‌گیرد و سهم دایی یک ششم است، زیرا در جایگاه مادر قرار می‌گیرد.

تمرین‌ها

تمرین (۱)

- ۱- رد چیست؟ شرط آن را ذکر کنید.
- ۲- اصل مسئله رد در صورتی که افراد مردود علیهم یک گروه از یک یا چند جنس باشند از چه چیز است؟
- ۳- ذوی الارحام حواشی چه کسانی هستند؟

تمرین (۲)

- مثال‌هایی برای موارد زیر ذکر کنید:
- ۱- مسئله رد که یکی از زوجین نیز در آن باشد.
 - ۲- مسئله رد که در آن افراد از چند جنس باشند و به چهار منتهی شود.
 - ۳- مسئله‌ای که شامل ذوی الارحام از اصول و فروع شود.

تمرین (۳)

- در موارد زیر آنهایی که رد دارد و آنهایی را که رد ندارد مشخص نموده و علت را ذکر کنید:
- دختر و دختر پسر و مادر و پدر.
 - مادر و برادر مادری.
 - شوهر و مادر و پدر.
 - خواهر تتی و برادر پدری.

- جده و دو دختر و پدر.

- خواهر تنی و خواهر پدری و خواهر مادری.

- برادر مادری و دختر برادر تنی.

تمرین (۴)

در موارد زیر سهام هر یک را تقسیم کنید با ذکر علت:

۱- شوهر و دختر و دختر پسر.

۲- دختر خواهر تنی و دختر برادر پدری و دختر عمو.

۳- مادر و برادر مادری و عموی مادری.

۴- دو دختر و دختر پسر و خواهر پدری.

۵- دختر دختر و دختر دختر پسر و عموی پدری.

۶- دو خواهر تنی و دو خواهر پدری و دو عمه.

۷- دختر دختر و دختر برادر مادری و دختر برادر تنی.

مطالبی را که می خواستیم مطابق با منهجی که مقرر داشتیم بیان کردیم. والحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد، وعلى آله وصحبه أجمعين.

نوشته شده به قلم:

محمد صالح العثيمين

فهرست

2	خلاصه فقه میراث
2	بسم الله الرحمن الرحيم
3	حقوق مربوط به ماترك، و اینکه کدام حق مقدم است
5	اسباب ارث
6	اقسام قرابت به اعتبار جهات آنها
7	شروط ارث
9	موانع ارث
10	اقسام ورثه به اعتبار نوع ارث
11	صاحبان فروض و مقدار سهم هر وارث
29	عصبه
30	اقسام عصبه
33	ترتیب عصبه
41	حجب
43	رد
45	ذوی الأرحام (خویشاوندان)